

## فارسی قوچانی

رضا ذوقدار مقدم

### ۱- مقدمه

شهرستان قوچان یکی از شهرستانهای شمال شرقی استان خراسان است که در فاصله ۱۳۰ کیلومتری غرب شهرستان مشهد قرار دارد و مرکز آن قوچان در سال ۱۳۱۳ هجری قمری در محل فعلی و به سبکی جدید بنا گردیده است. قوچان در قدیم خوشان و خوجان نامیده میشده و مرکز ناحیه یا شهرستانی به نام «اُسْتَو» یا «اُسْتَوَا» بوده است. هولاکوخان شهر را تجدید عمارت کرد. بعدها شهر مورد حمله ازبکها، تاتارها، ترکمنها و باغیان قرار گرفته است. این شهر در ۱۳۱۱ و ۱۳۱۲ هجری قمری در اثر زلزله از بین رفت و اکنون بصورت يك آبادی به نام «شهر کهنه» در سه فرسخی غرب قوچان فعلی است.

در زمان شاه عباس صفوی گروهی از اکراد ایل چشمگزک برای مقابله با هجوم مداوم ترکمنان، به صفحات شمالی خراسان کوچانده شدند. ساکنان اصلی فارسی زبان بودند و گرائیلها که طایفه‌ای از مغولها بودند نیز در منطقه سکونت داشتند. از اینرو به مرور پیوندهای زیادی میان فارسی زبانان، ترک زبانها و کرد زبانهای منطقه، ایجاد گردید.

در حال حاضر ساکنان بیشتر روستاهای قوچان را در درجه اول کرد زبانها و بعد ترک زبانها و فارسی زبانها تشکیل می‌دهند، اما در شهر قوچان بیشتر اهالی به زبان فارسی صحبت می‌کنند، هر چند ممکن است با ترکی و کردی هم آشنایی داشته باشند.

یکی از ویژگیهای فارسی قوچانی وارد شدن برخی آواهای ترکی و واژه‌های کردی، ترکی، مغولی (و گاهی روسی) در آن است.

ساکنان اصلی شهر قوچان را فارسی زبانان قوچان قدیم تشکیل میدهند، اما تأثیر زبان

فارسی بر زبان مردم شهر کاملا هویدا است. از اینرو در این بررسی، زبان مردم قوچان قدیم (شهر کهنه فعلی) که فارسی قوچانی را بهتر حفظ کرده اند مبنا قرار گرفته. در این مقاله به بررسی پاره‌ای از ویژگیهای آوایی و صرفی فارسی قوچانی و مقایسه آن با فارسی نوشتاری معیار پرداخته میشود.

## ۲- ویژگیهای آوایی

فارسی قوچانی دارای هشت مصوت ساده (a, â, e, o, u, i, ü, ö), يك مصوت مرکب (ow), و يك مصوت بلند (ē یا یای مجهول) و بیست و سه صامت به قرار زیر است:

b, p, t, d, f, v, m, n, č, j, k, g, š, s, z, ž, x, q, r, l, h, y, ?

لازم به توضیح است که دو مصوت پیشین گرد بسته ü و نیم بسته ö ظاهراً تحت تأثیر زبان ترکی وارد فارسی قوچانی شده اند، اما به عنوان گونه‌های آزادی از مصوت u به کار برده می‌شوند. مثلاً موش (muš) بصورت müš یا کور (kur) بصورت kör نیز تلفظ می‌شوند، اما این تلفظها در حال عقب نشینی هستند. مصوت ö بیشتر به جای o قدیمتر یا او مجهول به کار میرود، مانند gōr «گور»، gōšt «گوشت»، dōl «دلو»، kōtak و kōmak. مصوت ē در کلمات sēr «سیر»، zēr «زیر»، dēr «دیر»، šēr «شیر آب»، bēl «بیل»، sēb «سیب» و dēv «دیو» دیده میشود. افراد سالخورده تر (از ۵۰ سال به بالا) این کلمات را به همین صورت اما جوانان آنها را با ey یا i تلفظ می‌کنند. تلفظ ö در قوچانی تقریباً منحصر به همین کلمات بالاست اما ü در کلمات زیادی به کار میرود، مانند abrō «ابرو»، angür, tüt, püšt, jüva «جوی آب»، lüš, üštelak «سوت» و غیره.

۲-۱- توزیع واجها و بعضی تغییرات واجی در فارسی قوچانی با مقایسه با فارسی معیار الف - مصوت u در فارسی قوچانی در پایان واژه ظاهر نمی‌شود و بجای آن مصوت i به کار میرود:

فارسی معیار		فارسی قوچانی
kâhu	کاهو	kâhi
âlu	آلو	âli
amu	عمو	ami
kuku	کوکو	kuki

ب- مصوت e در هجای پایانی کلمات فارسی قوچانی دیده نمیشود و بجای آن a به کار میرود:

فارسی معیار		قوچانی
xâne	خانه	xana
dâne	دانه	dana
baste	بسته	besta
xaste	خسته	xasta

پ - مصوت â قبل از واجهای n و m در کلمات تک هجایی فارسی قوچانی غالباً به u تبدیل می شود:

فارسی معیار		قوچانی
nâm	نام	num
rân	ران	run
šâm	شام	šum
xâm	خام	xum
kâm	کام	kum

ضمایر ملکی «مان، تان، شان» از این قاعده مستثنی هستند. اما در کلماتی که بیش از یک هجا دارند، â غالباً به o بدل میشود:

فارسی معیار		قوچانی
qandân	قندان	qandon
zendân	زندان	zondon
dokân	دکان	dokon
bâdâm	بادام	bâdom
davâm	دوام	dovom

ت - مصوت a در هجای اول واژه های دو هجایی که در هجای دوم آنها مصوت a وجود دارد به e تبدیل می شود:

فارسی معیار		قوچانی
xabar	خبر	xebar
sabad	سبد	sebad
namak	نمک	nemak
safar	سفر	sefar
qafas	قفس	qefas

ث - مصوت a در هجای اول واژه‌های دوهجایی که در هجای دوم آنها مصوت â وجود داشته باشد به o تبدیل می‌شود:

فارسی معیار		قوچانی
kalâq	کلاغ	kolâq
damâq	دماغ	domâq
balâ	بلا	bolâ
javâb	جواب	jobâb
sarmâ	سرما	sormâ

ج - مصوت â در هجای ماقبل آخر کلمات مختوم به a با آن همگون و به همان شکل تلفظ میشود و این در صورتی است که میان این دو مصوت یکی از صامتهای n و r و z و q و l فاصله شده باشد:

فارسی معیار		قوچانی
xâne	خانه	xana
peymâne	پیمانه	peymana
gušvâre	گوشواره	güşvara
andâze	اندازه	andaza
malâqe	ملاقه	malaqa
mâle	ماله	mala

چ - در بسیاری از کلمات چندهجایی که در هجای آخر آنها مصوت o و بعد از آن يك صامت غنه وجود دارد، مصوت هجاهای قبل با o همگون و به همان صورت تلفظ میشود:

فارسی معیار		قوچانی
sendân	سندان	sondon
dandân	دندان	dondon
zabân	زبان	zobon
davâm	دوام	dovom

این قاعده در کلمات gandom, qandon و bâdom عمل نکرده است. این قاعده در مورد صیغه اول شخص مفرد بسیاری از افعال (که شناسه آن -om است) نیز مصداق دارد:

فارسی معیار		قوچانی
mi-rav-am	میروم	morom
ne-mi-guy-am	نمی‌گویم	nomogom

suzândam	سوزاندام	soxtondom
naravam	نروم	norom

ح - رشته واج ow در کلمات قوچانی زیر معادل رشته واج âb یا ab در فارسی معیار است:

فارسی معیار	قوچانی	
âb	آب	ow
xâb	خواب	xow
âftâb	آفتاب	aftow
partâb	پرتاب	portow
gâb(gâv)	گاو	gow
lab	لب	low
šab	شب	šow
tab (tâb)	تب (تاب)	tow
kabk	کبک	kowk
sabz	سبز	sowz

در سایر کلمات قوچانی رشته واج âb یا ab به همین صورت به کار میرود، چنانکه در کلمات qâb, kobâb, rab و...

خ - رشته واج ey در کلمات زیر معادل رشته واج iy در فارسی است:

فارسی معیار	قوچانی	
xiyâbân	خیابان	xeyâbon
xiyâl	خیال	xeyâl
xiyâr	خیار	xeyâr

د - در فارسی قوچانی معمولاً دو صامت در پایان واژه قرار نمی گیرد. در اینگونه موارد، در آن دسته از کلمات که در فارسی به دو صامت ختم میشوند، در فارسی قوچانی میان دو صامت يك مصوت میانجی قرار می گیرد. این مصوت، جز در مورد مصوت a با مصوت هجای اول همشکل است:

فارسی معیار	قوچانی	
abr	ابر	aber
sabr	صبر	saber

fekr	فکر	feker
zokr	ذکر	zeker
omr	عمر	omor
toxm	تخم	toxom

چنانکه دیده می شود، در کلماتی که مصوت هجای اول آنها a است، مصوت میانجی e است. در واژه‌هایی که صامت اول از دو صامت آخر آنها h است مصوت جدیدی اضافه نمی شود، بلکه صامت h حذف می‌شود و مصوت ماقبل آن کشیده تلفظ می‌شود:

qahr	قهر	→	qa:r
mohr	مُهر	→	mo:r

ذ - در صیغه‌های ماضی نقلی، صامتی که میان اسم مفعول و صیغه‌های پی‌چسب فعل «بودن» اضافه می‌شود، برعکس فارسی رسمی که همزه به کار می‌رود، در فارسی قوچانی صامت y استعمال می‌شود:

gofte-?am	گفته‌ام	gofte-y-om
rafte-?am	رفته‌ام	refte-y-om

چنانکه دیده می‌شود مصوت a پایانی اسم مفعول قبل از صامت میانجی به e بدل شده است. در مواردی که صامت y غایب است مصوت پایانی اسم مفعول، a است: xorda biyom. ر - در کلمات زیر، در مقایسه با تلفظ فارسی رسمی آنها، در قوچانی بترتیب رشته ey و مصوت مرکب ow به کار می‌رود:

pagâh	پگاه	peyga
paše	پشه	peyša
savâ	سوا	seyvâ
pâtâbe	پاتابه	peytava
qure	غوره	qowra

### ۳ - ویژگیهای صرفی

#### ۳ - ۱ - اسم

علامت جمع در فارسی قوچانی تکواژ hâ است که بعد از اسامی مختوم به صامت بصورت â و بعد از مصوت بصورت hâ و یا بصورت yâ تلفظ می‌شود، مانند:  
qaliyâ «قالی‌ها»، bičahâ «بچه‌ها»، gandomâ «گندمها»، pesarâ «پسرها».

## ۳-۲- صفت

در فارسی قوچانی علامت صفت تفضیلی tar و علامت صفت عالی az hama...tar است. بزرگترین az hama bozorgtar بزرگتر bozorgtar.

## ۳-۳- قید

بعضی از قیود مستعمل در فارسی قوچانی عبارتند از: tu «درون، تو»، min «داخل، میان»، unji «آنجا»، inji «اینجا»، naγdan «در حال حاضر»، porârsâl «پیرارسال»، dišow «دیشب»، imruz «امروز»، forowon «فراوان»، kerat «بار، دفعه»، xeyla «زیاد»، naγed «همین الآن»، hanez «هنوز»، balli «آشکار»، yagdafagi «ناگهانی».

## ۳-۴- ضمائر

ضمائر شخصی در فارسی قوچانی عبارتند از: mo «من»، to «تو»، u «او»، mâ «ما»، šomâ «شما»، unâ «آنها».

ضمائر ملکی منفصل عیناً مانند ضمائر شخصی می باشند. ضمائر ملکی متصل عبارتند از: -om، -et، -eš، -mân، -tân، -šân، مانند: kotâbšân «کتاب آنها»، pulom «پول من». ضمائر و صفات اشاره در فارسی قوچانی در حالت مفرد به شکل i و u و در حالت جمع به صورت inâ و unâ تلفظ می شوند: i modâd «این مداد»، unâ ameyan «آنها آمدند».

## ۳-۵- حروف اضافه

حروف اضافه مستعمل در فارسی قوچانی عبارتند از: bari «برای»: bari çî «برای چه»، bârâ.mân gof «برای ما گفت»، xod «با»: xod to nibiyom «با تو نبودم». rû «روی»: rû sareš gozâšt «روی سرش گذاشت».

همچنین پی افزوده «را» در فارسی قوچانی به صورت a و ra تلفظ می شود، a بعد از صامت و ra بعد از مصوت (غالباً): howli ra foroxtag «حیاط را فروخت».

## ۳-۶- نکره

علامت نکره بودن اسم در فارسی قوچانی کلمه yag «یک» و مصوت‌های i و e و ey است که yag قبل از اسم و مصوت‌ها به آخر اسم افزوده می شوند. در بسیاری از مواقع نیز دو صورت نکره با هم در جمله ظاهر می شوند: sâl-e yagbâr miya inji «سالی یکبار می آید اینجا»، yag mard-ey dar ra vâ kerd «یک مردی در را باز کرد».

## ۳-۷- کلمات پرسشی

در فارسی قوچانی کلمه پرسشی مربوط به اشخاص ki، کلمات پرسشی مربوط به اشیاء çî و

čantâ و čerad، کلمه پرسشی زمان key، کلمات پرسشی مربوط به تعداد و مقدار و «چقدر، چندان»، کلمه پرسشی مربوط به چگونگی čijuri «چطوری» و کلمه پرسشی مربوط به علت و سبب bariči «چرا یا برای چه» است.

### ۳- ۸- مبهمات

بعضی از مبهمات مستعمل در فارسی قوچانی عبارتند از:  
yak para که از مبهمات مربوط به اشخاص و اشیاء است:

yak para adamâ

پاره‌ای آدمها

yak para kotâbâ

پاره‌ای کتابها

yag vaxte و yak para vaxtâ که از مبهمات مربوط به زمان است:

yag vaxte ura diya biyom.

یک وقتی او را دیده بودم.

پاره‌ای وقتها انسان از زندگی بیزار می‌شود.

yak para vaxtâ adam az zendegi beyzâr mera

همچنین yag jey و yak para jâhâ از مبهمات مربوط به مکان، yag juri از مبهمات مربوط به چگونگی و yak kam و xeyla از مبهمات مربوط به مقدار است. نیز مبهم تعمیمی «همه» بصورت hamagi و hama، و مبهم انکاری «هیچکس» بصورت hiški، و «هیچکدام» به صورت hiškodom به کار می‌روند.

### ۴- فعل

#### ۴- ۱- شناسه‌ها

الف - شناسه‌های زمانهای ماضی

شخص / شمار	مفرد	جمع
اول شخص	-om	-im
دوم شخص	-i	-in
سوم شخص	-ag	-an

ب - شناسه‌های زمانهای مضارع:

شخص / شمار	مفرد	جمع
اول شخص	-om	-im
دوم شخص	-i	-in
سوم شخص	-a	-an

(در سوم شخص مفرد ماضی نقلی و ماضی نقلی استمراری که فعل به اسم مفعول ختم میشود،  
ag- به کار نمیرود).

#### ۴-۲ - زمانهای افعال

در فارسی قوچانی مضارع اخباری با جزء پیشین mi/me/mo و مضارع التزامی با جزء پیشین  
bi/be/bo به اضافه ماده مضارع و شناسه‌ها ساخته می‌شوند:

الف - مضارع اخباری:

morom	می روم	merim	می رویم
meri	می روی	merin	می روید
mera	می رود	meran	می روند
mogom	می گویم	migim	می گوئیم
migi	می گویی	migin	می گوید
miga	می گوید	migan	می گویند

ب - مضارع التزامی:

borom	بروم	berim	برویم
beri	بروی	berin	بروید
bera	برود	beran	بروند

همانطور که از جدول شناسه‌های ماضی پیداست در فارسی قوچانی برای سوم شخص  
مفرد در ماضی مطلق، ماضی استمراری و ماضی بعید شناسه ag- به کار میرود. این شناسه  
تحت تأثیر فارسی نوشتاری و گفتاری تهران در حال منسوخ شدن است.

ب - ماضی مطلق:

raftom	رفتم	raftim	رفتیم
rafti	رفتی	raftin	رفتید
raftag	رفت	raftan	رفتند

ت - ماضی استمراری: ماضی استمراری با جزء پیشین mi/me/mo + ماده ماضی + شناسه‌ها  
ساخته می‌شود:

mogoftom	می گفتم	mogoftim	می گفتیم
mogofti	می گفتی	mogoftin	می گفتید
mogoftag	می گفت	mogoftan	می گفتند

ث - ماضی نقلی: ماضی نقلی از صفت مفعولی فعل مورد نظر + شناسه‌ها ساخته می‌شود:

refte-y-om	رفته ام	refte-y-im	رفته ایم
refte-y-i	رفته ای	refte-y-in	رفته اید
reftá	رفته است	reftán	رفته اند

ج - ماضی نقلی استمراری: این ساخت از ماضی با افزودن me/mi/mo بر سر ماضی نقلی به دست می آید:

mezeye-y-om	می زده ام	mezeye-y-im	می زده ایم
mezeye-y-i	می زده ای	mezeye-y-in	می زده اید
mezeyá	می زده است	mezeye-y-an	می زده اند

ج - ماضعی بعید: ماضی بعید از صفت مفعولی فعل مورد نظر + ماضی مطلق فعل «بودن» ساخته می شود:

xordabiyom	خورده بودم	xordabiyim	خورده بودیم
xordabiyi	خورده بودی	xordabiyin	خورده بودید
xordabiyag	خورده بود	xordabijan	خورده بودند

#### ۴ - ۳ - نفی

نشانه نفی در فارسی قوچانی ne/no/ni است:

nimiga	نمی گوید
nomorom	نمی روم
nemexa	نمی خواهد

#### ۴ - ۴ - نهی

نشانه نهی یا امر منفی در فارسی قوچانی ma است:

maro	نرو
mazon	نزن

#### ۴ - ۵ - مجهول

در فارسی قوچانی برای ساختن فعل مجهول از فعل معین «رفتن» که در اینجا به معنی «شدن» است، استفاده می شود:

Ali mâr ra küšt	علی مار را کشت
mâr küšta raft	مار کشته شد

اینک جدول صرف بعضی از افعال فارسی قوچانی در زمانهای ماضی و مضارع به منظور نشان دادن بعضی دیگر از ویژگیهای این گونه از فارسی که در صفحات قبل از آنها صحبت نشد:

جدول صرف زمانهای ماضی بعضی از افعال فارسی توریجانی

شماره	مصدر فارسی	مصدر توریجانی	اول شخص ماضی مطلق	اول شخص ماضی استمراری	اول شخص ماضی نقلی	اول شخص ماضی استمراری نقلی	سوم شخص ماضی مطلق	اول شخص ماضی مطلق	اول شخص ماضی استمراری	مصدر توریجانی	مصدر فارسی	شماره
۱	آمدن	ameyan	ameyag	miyameyom	ameyeyom	amiameyeyom	ameyag	ameyag	ameyom	ameyan	آمدن	۱
۲	بودن	biyan	biyag	biyeyom	biyeyom	biyeyom	biyag	biyag	biyom	biyan	بودن	۲
۳	دویدن	dowostan	dowostag	dowost/deyom	dowost/deyom	dowost/deyom	dowostag	dowostag	dowostom	dowostan	دویدن	۳
۴	جویدن	jäftan	jäftag	jäfteyom	jäfteyom	jäfteyom	jäftag	jäftag	jäftom	jäftan	جویدن	۴
۵	زدن	zeyan	zeyag	zeyeyom	zeyeyom	zeyeyom	zeyag	zeyag	zeyom	zeyan	زدن	۵
۶	دیدن	diyān	diyag	diyeyom	diyeyom	diyeyom	diyag	diyag	diyom	diyān	دیدن	۶
۷	گویندن، گوفتن	koftan	koftag	mokoftom	kofteyom	kofteyom	koftag	koftag	koftom	koftan	گویندن، گوفتن	۷
۸	کردن	kerdan	kerdag	mekerdom	kerdeyom	kerdeyom	kerdag	kerdag	kerdom	kerdan	کردن	۸
۹	پختن	poxtakerdan	poxtakerdag	poxtaker- deyom	poxtaker- deyom	poxtaker- deyom	poxtakerdag	poxtakerdag	poxtakerdom	poxtakerdan	پختن	۹
۱۰	ریختن	rextan	rextag	merextom	merexteyom	merexteyom	rextag	rextag	rextom	rextan	ریختن	۱۰
۱۱	خوابیدن	xosbiyan	xosbiyag	moxosbiyom	xosbiyeyom	xosbiyeyom	xosbiyag	xosbiyag	xosbiyom	xosbiyan	خوابیدن	۱۱
۱۲	شکستن	šigistan	šigistag	mišgastom	mišgasteyom	mišgasteyom	šigistag	šigistag	šigastom	šigistan	شکستن	۱۲
۱۳	آوردن	owordan	owordag	miyowordom	owordeyom	owordeyom	owordag	owordag	owordom	owordan	آوردن	۱۳

جدول صرف زمانهای مضارع بعضی از افعال فارسی قوچانی

شماره	مصدر فارسی	مصدر قوچانی	امر - جمع - مفرد	اول شخص مفرد مضارع اخباری	اول شخص مفرد مضارع اخباری	دوم شخص مفرد مضارع اخباری	اول شخص مفرد مضارع التزامی	دوم شخص مفرد مضارع التزامی	سناک حال
۱	زندن	zeyan	bozon beznin	moznom	mezni	mezni	boznom	bezni	/-zn-/ beznin
۲	آمدن	ameyan	biyā biyin	miyom	miyi	miyi	biyom	biyi	/-y-/ biyin
۳	بودن	biyan	baš bašsin	hastom	hasti	hasti	baššom	bašši	/-bin-/ biyin
۴	دیدن	diyan	bibin bibinin	mibinom	mibini	mibini	baššom	bibini	/-bin-/ bibini
۵	پریدن	perrīyan	bepir beperrin	meperrtom	meperrti	meperrti	beperrtom	beperrti	/-perr-/ beperrti
۶	خواستن	xosbiyan	boxosb boxosbin	moxosbom	moxosbi	moxosbi	boxosbom	boxosbi	/-xosb-/ boxosbi
۷	خاراندن	xarandan	bexaran bexaranin	mexaranom	mexarani	mexarani	bexaranom	bexarani	/-xaran-/ bexarani
۸	دویدن	dowostan	bodo bodoyin	modowom	modo?i	modo?i	bodowom	bodo?i	/-do-/ bodo?i
۹	جویدن	jaftan	bojjow bojjoyin	mojjowom	mojjoyi	mojjoyi	bojjowom	bojjoyi	/-jjo-/ bojjoyi
۱۰	شستن	šoftan	bošow bošoyin	mošowom	mošo?i	mošo?i	bošowom	bošo?i	/-šo-/ bošo?i
۱۱	گفتن	gotfan	bogo bigin	mogom	migi	migi	bogom	bigi	/-g-/ bigi

جدول صرف زمانهای مضارع بعضی از افعال فارسی تورجانی

شماره	مصدر فارسی	مصدر تورجانی	امر مفرد - جمع	اول شخص مفرد مضارع اخباری	دوم شخص مفرد مضارع اخباری	اول شخص مفرد مضارع التزامی	دوم شخص مفرد مضارع التزامی	ستاک حال
۱۲	ریختن	rextan	berez berazin	merezom	merezi	berezom	berezi	/-rez-/ berezom
۱۳	کوبیدن کوفتن	koftan	bokko bokkoyin	mokkoom	mokkoyi	bokkoom	bokkoyi	/-kko-/ bokkoyi
۱۴	شنیدن	šonofan	bošnow bošnoyin	mošnowom	mošnoyi	bošnowom	bošnoyi	/-šno-/ bošnoyi
۱۵	کردن	kerdan	bokon bekenin	monom	meni	bokonom	bekeni	bekeni
۱۶	پختن	poxtakerdan	poxtakon poxtakenin	poxtamonom	poxtameni	poxtakonon	poxtakeni	poxtakeni
۱۷	پختن از گوما (مجهول)	poxta reftan		poxtamorom	poxtameri	poxtaborom	poxtaberi	poxtaberi
۱۸	رفتن	reftan	boro berin	morom	meri	borom	beri	/-ro-/ beri
۱۹	شکستن	šigistan	bišgin bišginin	mišginom	mišgini	bišginom	bišgini	/-šgin-/ bišgini
۲۰	دادن	deyan	beti bettin	motom	meti	botom	beti	beti
۲۱	آوردن	owordan	biyâr biyarin	miyarom	miyari	biyarom	biyari	biyari

bowri	bowrom	bowri	bowrom	bowr	boardan	بودن	۲۲
/-kar-/ bikkari	bikkarom	mikkari	mikkarom	bowrin bikkar bikkarin	kaštan	کاشتن	۲۳
/-est-/ vesti	vestom	veymesti	veymestom	vestâ vestin	vestâdan	ایستادن	۲۴
/-stan-/ vastani	vastanom	vamestani	vamestanom	vastan vastanin	vastondan	گرفتن ستاندن	۲۵
/-nivi-/ binisi (binvisi)	binisom (binvisom)	minivisi	minisom	binis (binvis) binisin (binvisin)	nivîštan	نویشتن	۲۶
/-man-/ bemani	bemanom	memani	memanom	beman bemanin	mondan	ماندن	۲۷
/-çal-/ biçali	biçalom	miçali	miçalom	biçal biçalın	çalıdan	چنگزدن	۲۸

## تعدادی از واژه‌های مستعمل در گویش قوچانی

zina	پله	âɣbâji	خواهر
zeft	غلیظ	âɣešqa	پنجره
seykâ	سایه	âpârdi	پررو، زرننگ
semešga	دانه آفتاب گردان	arɣa	زرننگ، حقه‌باز
sibinji	مزدگانی	ankavar	پیر، مچاله شده
sombât	بی دست و پا	aldemiya	گرگم به هوا
sinow (kerdan)	شنا (کردن)	okča(zeyan)	سکسکه (کردن)
šiftil	تر، آب کشیده	owsana	افسانه
qorow	شینم	badra	سطل
qeda	کاسه مسی بزرگ	boč	لُپ
qeymâq	خامه روی ماست	balli	آشکار
qaram	حسود	boɣband	چادر رختخوابی
qonda	پنبه	pal	کرت
qârdon	مقوای ضخیم	pufla	تاول
qalba	زیاد	perčiya (reftan)	مشممز (شدن)
kalow	گیج	pelta	فتیله
kelavand	کلنجار	tarnešow	ناودان افقی
kibil	آبسه	tomuz, towoston	تابستان
gowrana	چوب دستی	Ĵolombor	ژنده پوش
gomboz	مشت گره کرده	čoxt	سقف
gemand	سنگین، دم کرده	čombelik(gereftan)	نشگون (گرفتن)
lamašt	کتیف	čaršow	چادر شب
linja	سمج	čow	چوب
nadax	بدرد نخور	xartir	کھیر
našow	کتیف، نشسته	xočâr	فشار
vesni	هو و	xeyda	چوب بلند
howli	حیاط	dumân	مه
yeyri	جاری	zingiča	آرنج